

بازنشستگان دریایی سرمایه های تکرار نشدنی

## رابطه بازنشستگان دریایی با جامعه جوان اساس زنجیره انتقال تجربه است

توسعه صنعتی شگرف کره جنوبی که نسبت به آن زمان ایران، یک روستای بزرگ بود، تا جایی است که امروزه، صنعت عمومی کره جنوبی سال ها بلکه دهه ها از ایران جلو افتاده است. شتاب در توسعه حرف اول را می زند. توسعه دیگر معیار و شاخص نیست؛ بلکه این شتاب در توسعه است که اولویت دارد و هر کشوری که شتاب مناسب در توسعه داشته باشد، گوی سبقت از دیگران خواهد ربود. در کنار شتاب توسعه ای، این توسعه هماهنگ و متوازن است که معنا دارد. توسعه نامتوازن، مجموعه ای از رشد های سرطانی و خطرناک است و اگر توسعه با دقت طراحی نشود و همه جانبه صورت نگیرد، نتایج ناگواری در پی خواهد داشت. نمونه بارز امروزی توسعه شتابنده اما نامتوازن، کره جنوبی است. این کشور از سال ۱۳۵۰- یعنی ۵ سال بعد از ایران برنامه توسعه خود را آغاز کرد و چنان شتاب بخشید که سال ها از ایران جلو افتاد.

به گزارش خبرنگاران گروه صنعت و تجارت گزارش خبر، توسعه صنعتی شگرف کره جنوبی که نسبت به آن زمان ایران، یک روستای بزرگ بود، تا جایی است که امروزه، صنعت عمومی کره جنوبی سال ها بلکه دهه ها از ایران جلو افتاده است. نگاهی گذرا به صنعت خودرو سازی، صنایع ساختمان، صنایع لوازم خانگی و صنایع کشتی سازی کافی است نشان دهد که کره جنوبی خیلی از ایران جلو افتاده است؛ اما بررسی ابعاد توسعه کره جنوبی نشان می دهد که خطاهای بزرگی رخ داده است و توسعه متوازن نیست.

در سرعت کم نظیر کره ای ها برای توسعه، بخش مهمی از مباحث اجتماعی- فرهنگی و مسائل جمعیتی و زندگی و سبک زندگی کره ای ها جا ماند به نحوی که سال های اخیر، با مشکل عجیب و وحشتناک کاهش جمعیت مواجه شده است. نه تنها کره جنوبی، بلکه ژاپن نیز دچار این بحران غیرقابل جبران است. به طور اساسی، این جمعیت است که بنیاد توسعه یک کشور قرار می گیرد و نسبت به رشد توسعه، جمعیت نیز باید رشد کند؛ اما خطای بزرگ در کره جنوبی خود را نشان داده است و معلوم شده است که توسعه کره ای، رشد سرطانی در بخش صنعت بوده است و باعث جاماندن توسعه جمعیتی شده است.

فشار کار بر مردم کره طوری بوده که خود را فراموش کرده و معنای زندگی مشترک را از یاد برده اند. آمارهای کره جنوبی نشان می دهد که بیش از نیمی از جوانان کره جنوبی قصد ازدواج ندارند. نیمی دیگر از نظر سنی، عدد ۳۵ را رد کرده ولی هنوز موفق به ازدواج نشده اند. از این رو، جمعیت کره جنوبی رو به پیری مفرط نهاده و نسل بعدی که باید جایگزین شود، وجود ندارد. جمعیت کره جنوبی رو به کاهش است و امکان بازیافت آن به آسانی ممکن نیست.

### قطع رابطه بین بازنشستگان و جامعه جوان

پژوهشگران برای بی انگیزگی مردم کره برای ازدواج و فرزندآوری، دلایل متعددی ذکر کرده اند که قطع رابطه بین بازنشستگان و جامعه جوان یکی از آن مواردی است که بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اکنون جوانان کره جنوبی قصد ازدواج ندارند و اگر هم ازدواج کرده اند، به هیچ وجه قصد فرزندآوری ندارند. چرا که به دلیل قطع ارتباط بین نسل ها، از جهات گوناگون دچار ایهام و یاس شده اند.

قطع رابطه با بازنشستگان در جامعه کره ای، باعث شده است که زنجیره انتقال تجربه پاره شود و نیروی کار جدید، از تجربه نسل قبل خود محروم شود. این اتفاق در ایران هم افتاده است و رابطه بازنشسته با نیروی فعال شکسته شده است. با قانون منع به کارگیری بازنشستگان در کارها، بخش بزرگی از بازنشستگان به طور کلی از حرفه سی ساله خود جدا شده اند. این قانون برای باز کردن فضای اشتغال بود تا به طور مصنوعی اشتغال ایجاد کنند؛ اما باعث شد که گروه بزرگی از بازنشستگان به رغم دارا بودن سی سال تجربه کاری، از تمامی فرایندها حذف شوند. این حذف تجربه سی ساله از فرایند های توسعه، کره جنوبی را دچار صدمه کرده است و در آینده نزدیک، ایران را هم در بر خواهد گرفت.

### برنامه های جایگزین

کره جنوبی و ژاپن به عنوان دو کشور پیر و از پا افتاده، دیگر قادر نخواهند بود که این معضل را حل کنند. وزیر بهداشت ژاپن به طور علنی گفت: اگر این روند ادامه یابد، ژاپن محو خواهد شد. کره جنوبی هم به سوی محو می رود زیرا جبران چندمیلیونی کسر جمعیت، کار آسانی نیست.

برای امیدآفرینی، نشاط جمعیتی و حفظ ارتباط بین نسل ها کار زیادی نکرده اند. آسایشگاه ها مملو از پیرمرد و پیرزن هایی است که هر کدام کوهی از تجربه و توانمندی با خود به همراه دارند. همان ها بودند که کره جنوبی را از روستایی بزرگ به شهری تراز اول جهان تبدیل کردند؛ اما بی مهری دیدند و کناری افتادند.

کنار نهادن بازنشسته با دور انداختن آن فرق دارد. باید با برنامه های جایگزین و فعالیت های فرهنگی، ارتباط تجربه با نسل جوان را حفظ کرد. کاری که ژاپنی ها و کره ای ها نکردند و ایران نیز نکرده است. تنها تفاوت ایرانی ها با آن ها این است که مردان ایرانی، حوصله پیرشدن ندارند. سخت دست از زندگی می شورند و سخت کنار می روند. مردان و زنان ایرانی به شدت همچنان گرایش های اجتماعی خود را حفظ کرده اند. این باعث شده که رابطه بین نسل ها به طور طبیعی برقرار بماند. اما رابطه بین تجربه و جوانان وجود ندارد. بازنشسته ها، از اداره بازنشسته می شوند و بر اساس قانون دیگر حق ندارند آن دور و برها پیدایشان بشود، اما بازنشسته ایرانی معمولا چند کار دیگر زیر سر داشته است و به آن کارها می پردازد. این است که در ایران،

رابطه با خانواده و کار قطع نمی شود اما رابطه با محل کار قبلی قطع می شود و تبادل تجربه ای رخ نمی دهد.

آینده ایران مانند کره جنوبی است

این روزها، آثار کاهش جمعیت در ایران مشاهده می شود. اشتباه راهبردی و خطرناک دو دهه گذشته بر مبنای «فرزند کمتر & زندگی بهتر» آثار مخرب خود را اکنون به نمایش گذاشته است و جمعیت ایران را به سوی پیری برده است. اکنون دیگر تغییر شعار از «فرزند کمتر به فرزند بیشتر» کارساز نیست و نمی توان به صرف تغییر شعار اشتباه را جبران کرد. به زودی ایران مانند کره جنوبی و ژاپن جزو پیرترین جمعیت جهان خواهد بود، بدون آن که زیربنای لازم برای انبوهی پیر و بازنشسته فراهم کرده باشد. بنابراین، بحران در آینده به ما چنگ و دندان نشان می دهد.

یاری بازنشسته ها

بازنشسته ها از دو جهت می توانند کمک کنند و جلوی بحران جمعیتی را بگیرند یا به تعویق بیندازند. اول با ایجاد روحیه امید و نشاط اجتماعی به جوانان و دیگری با انتقال تجربه کاری به نسل نرسیده.

اگر طبق قانون جدید، بازنشسته ها را دیگر به کار نگرفت، معنای آن این است که سی سال تجربه را بگذارید کنار. سی سال تجربه اهمیتی ندارد. این اثر خطرناکی در فکر و روح نسل کاری آینده دارد. معنایش این است که بعد از سی سال کار، یک باره به دردخور می شوی و دیگر ارزش کار کردن نداری. اما باید به این قشر گفت که از نظر قانونی کار رسمی شما به پایان رسیده اما دوران انتقال تجربه شما باقی مانده است. این گونه است که بازنشستگان همچنان به حساب می آیند و مورد احترام قرار می گیرند و نمادی از امید و نشاط برای نسل آینده کار می شوند.

نکته دوم این است که واقعا برای انتقال تجربه از بازنشسته به نیروی کار جدید باید برنامه داشت. هیچ برنامه ای در هیچ یک از بخش های مرتبط با بازنشستگی وجود خارجی ندارد و این یعنی سرنوشتی مانند کره جنوبی و ژاپن از نظر امید به زندگی و از نظر نشاط اجتماعی و ترغیب جوانان به تشکیل خانواده. و نیز به معنای نابودی انبوهی تجربه و خاطره کاری که می تواند بعد فرهنگی توسعه را کمک کند.

بازنشستگان دریایی ایران

وضعیت دریا کمی متفاوت تر است. دریا یعنی تجربه. دریا بازنشستگی نمی شناسد و این تجربه و مهارت است که با دریا آشناست. تصور می شود که وضعیت بازنشستگان حوزه دریایی کشور با سایر حوزه های بازنشستگی تفاوت های شکلی و ماهوی زیادی داشته باشد، آیا چنین است؟

تصور می شود که در تجارب بازنشستگان حوزه دریا، خاطرات متفاوتی وجود داشته باشد که بتواند چند جلد کتاب به فرهنگ کشور اضافه کند. آیا در این باره کاری شده است؟ دریا را در کتاب می توان خواند اما نمی توان یاد گرفت. دریا را باید تجربه کرد و با تجربه می توان اموخت. آیا برنامه ای برای انتقال تجارب ناب بازنشستگان حوزه دریا به نسل آینده کار وجود دارد؟ یا این بازنشستگان هم مانند دیگر بازنشستگان فراموش شده اند؟ برنامه سازمان بنادر و دریانوردی برای بازنشستگانش چیست؟ شیلات چگونه عمل می کند؟ سایر ارکان چطور؟ سوالاتی است که در فرصت های آینده تلاش می کنیم جوابی برای آن ها پیدا کنیم. /اقتصاد سرآمد